

زیست‌جهان مرزنشینان و سیاست‌های گمرکی مطالعه‌ای درباب کول‌بران شهرستان مریوان

حسین دانش‌مهر،^۱ علیرضا کریمی،^۲ عثمان هدایت^۳

(تاریخ دریافت ۹۸/۰۳/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۹/۱۲/۱۵)

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی و تغییر ویژگی‌ها و امکان‌های مداخله در سیاست‌های گمرکی برای بازشناسی و برجسته‌کردن نقش مرزنشینان (اختصاصاً کول‌بران) است. سیاست‌های گمرکی مستقیماً یا غیرمستقیماً بر زیست‌جهان مرزنشینان تأثیر گذاشته و انتخاب و چگونگی اعمال این سیاست‌ها پدیده کول‌بری را مهم و مسئله‌زا کرده است. فرض بنیادین این است که سیاست‌های گمرکی، مرزنشینان و کول‌بران را حذف کرده و به‌حاشیه رانده است؛ بنابراین، از رویکرد پساتوسعه‌ای بهره‌جسته‌ایم که مردم و سازمان‌های غیردولتی را مینا قرار می‌دهد و به توسعه از پایین به بالا می‌نگرد. روش این پژوهش، مردم‌نگاری نهادی است و با توجه به اهداف و موضوع، با دو نوع داده سروکار داریم: تجربیاتی که در کشاکش روابط نهادی شکل گرفته‌اند، و متون نهادی‌ای که کلیت حیات اجتماعی را درنوردیده و به‌مثابه اعمال سیاست‌هایی عمل می‌کنند که به تجربه‌ها شکل می‌دهند. برآیند تحلیل این دو دسته داده، باید به نتیجه‌هایی در تغییر وضع موجود بینجامد. به این منظور، از نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری جهت مصاحبه با افراد و نیز از متون نهادی مربوط به گمرک (به‌ویژه گمرک باشماق مریوان) استفاده کرده‌ایم. یافته‌ها حاکی از حذف مرزنشینان کول‌بر (نقش و جایگاه، اجتماع و فرهنگ و اقدامات آنها) در سیاست‌ها و اقدامات گمرکی است. گمرک، با راهبرد حفظ

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول) hdaneshmehr@yahoo.com

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی karimionline@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان osmaanhedayat68@gmail.co

کولبری و درعین حال حذف کولبران از سیاست‌هایش، و با سازوکارهایی نظیر اختصاص کارت مرزنشینی، پبله‌وری و ایجاد بازارچه‌های مرزی در چنین جهتی عمل می‌کند. کولبران برای پرکردن خلأ ناشی از این حذف، به اقداماتی از جمله تشکیل شورای مرز، تشکیل گروه‌های غیررسمی و محلی، تأسیس تعاونی مرزنشینان و اعتراضات مدنی دست زده‌اند که غالباً به دلیل همین حذف، ناکارآمد و بی‌تأثیر بوده است. از این رو، لازم است گمرک به سیاست‌های بازتوزیع‌گرایانه، از جمله گنجاندن نقش و جایگاه کولبران در قوانین و سیاست‌های گمرکی، تشکیل کارگروه‌های ویژه، سرمایه‌گذاری مالی و ارائه خدمات رفاهی و آموزشی در مناطق مرزی، روی بیاورد.

واژگان کلیدی: زیست‌جهان کولبران، سیاست‌های گمرکی، رویکرد پساتوسعه‌ای، مردم‌نگاری نهادی، امکان‌های مداخله.

مقدمه و بیان مسئله

مرز، به‌منزله مکان و فضایی پر از کشاکش و تناقض (از نظریه تا عمل)، همواره موضوع بحث و مجادله بوده و همچنان خواهد بود. این وضعیت به دلیل عواملی است که مرز را به برساخته‌ای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل کرده است و پیوسته بر بازتعریف آن در هر چهار جنبه اصرار می‌کند. بدین ترتیب، مرز برساخته‌ای است که از فضای طبیعی خود خارج شده و راهبردهای قدرت و دانش، پیوسته، از طریق حکم‌ها و گزاره‌هایی، در پی انکار و طرد صورت‌بندی‌های دیگر و پی‌جویی صورت‌بندی‌های ویژه است. به همین دلیل است که مرز، به‌مثابه فضا، از واقعیت سرزمینی و مکانی (طبیعی) خارج شده و منافع و واقعیت‌های یک‌سویه‌نگر به‌شیوه‌ای سازمان‌یافته در پی برساختن آن هستند. مفهوم مرز مبتنی بر تعریفی تخیلی و استعاری است که مبنای منازعه و کشاکش قرار می‌گیرد. فضا و نام مرز، تداعی‌کننده جدایی و فاصله است تا بدین نحو، تعریف پیش‌گفته، که مرز را فضایی پرکشاکش، برساخته‌ای سیاسی، اقتصادی و محیطی جغرافیایی قلمداد کرده است، صبغه عینی به خود بگیرد. مفهوم مرزنشین همیشه تداعی‌کننده مردمی است که زندگی‌شان در مرز و فضای آن شکل گرفته است. این تداعی، هویت مرزنشینی را شکل داده و زیست‌جهان ساکنان را تابع صورت‌بندی‌های خاص مرز و واقعیت‌های برساخته آن کرده است.

یکی از نمودها و فضاهایی که واقعیت مرز و مرزنشینان در آن برساخت می‌شود، نهاد گمرک است. گمرک در جایگاه نهادی که متولی توسعه قلمداد می‌شود، با اعمال سیاست‌های خود (از طریق قوانین، تحدید قلمروها، ضوابط و...)، در جهت صورت‌بندی خاصی از مرز و

فضای آن عمل می‌کند، صورت‌بندی‌ای که با طرد دیگرگزاره‌ها، در پی تثبیت و حل منازعه‌ها برمی‌آید. فرض بنیادین بر این است که «اعمال گمرکی» با سیاست‌هایی که به‌واسطه قوانین، اساس‌نامه‌ها، عملکردها و اقدامات گمرکی به اجرا درمی‌آید، شکل قانونی و رسمی به خود می‌گیرد و با همین شکل هم اجرا می‌شود. این صورت‌بندی یک‌سویه‌نگر، موقعیت و اجتماع محلی مرزنشینان را در نظر نمی‌گیرد و نگاهی از بالا به پایین دارد. نهاد گمرک، که متولی این قوانین است، سیاست‌هایی را در مرزها و بر مرزنشینان اعمال می‌کند که نگاهی جهان‌شمول و یک‌دست دارد و الزامات مناطق مرزی را مغفول می‌گذارد. این سیاست‌ها دو بخش کلی را شامل می‌شود: نخست، سیاست‌های آشکار یا نوشته‌شده در قالب قوانین اداری، مصوبه‌ها و بخش‌نامه‌ها، و دوم، سیاست‌های نهان یا نانوشته (اقدامات و عملکردها) که اجرا می‌شوند. هر دو این سیاست‌ها در پی کسب منافع و بُرد در منازعه‌هایی هستند که از وجود مرز ناشی می‌شود و با توجه به نقش راهبردی مرز برای دولت یا گروه‌های درگیر (سیاسی، اقتصادی و...)، سیطره و اعمال قدرت بر آن حائز اهمیت مضاعف است. به همین جهت است که مرزنشینان و کول‌بران، که از قدرت چانه‌زنی در این منازعه‌ها بهره‌ای ندارند، نقشی هم در تعیین و اعمال این سیاست‌ها ندارند؛ بنابراین، می‌توان گفت آنها از این سیاست‌ها حذف شده‌اند.

سیاست‌های گمرکی سیاست‌های کسانی است که با مرز و زندگی در مرز فاصله دارند و واقعیت‌های زندگی مرزی و مرزنشینان را نادیده می‌گیرند. سیاست‌ها بیشتر دو جنبه اقتصادی و سیاسی را شامل می‌شوند و رابطه‌ها و جنبه‌های دیگر را نادیده می‌گیرند؛ برای مثال، رابطه سیاست با فرهنگ یا اقتصاد با فرهنگ. در اینجا، باید از سیاست‌هایی سخن به میان آورد که سیاست‌های به‌رسمیت‌شناختن یا سیاست‌های بازتوزیع‌گرایانه خوانده شده‌اند. سیاست‌هایی که «در جهت بازشناختن منش، هویت و حقوق کسانی است که در جریان تحولات اجتماعی فراموش شده یا کنار گذاشته شده‌اند» (عنبری، ۱۳۹۰: ۱۷۶).

می‌توان گفت اکثر مناطق مرزی کشور و مرزنشینان محروم مانده و به‌حاشیه رانده شده‌اند. استان کردستان، به‌مثابه استانی مرزی، از منظر توسعه‌یافتگی شاخص‌های توسعه انسانی (احمدی و همکاران، ۱۳۹۲)، توسعه اقتصادی متوازن (جلایی‌پور و باینگانی، ۱۳۹۵؛ حاجی‌نژاد و احمدی، ۱۳۸۹)، فضایی (خیرالدین و همکاران، ۱۳۹۵)، و زیرساخت‌های توسعه و گردشگری (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴)، در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. سبک زندگی (رشیدی آل‌هاشم و همکاران، ۱۳۹۵؛ محمدپور، ۱۳۹۳)، وضعیت فرهنگی (قادرزاده و قادری، ۱۳۹۱) وضعیت آموزشی (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵) و دیگر شاخص‌های توسعه اجتماعی-اقتصادی در کردستان به‌شدت از وضعیت مرزنشینی متأثر است. می‌توان گفت کول‌بران نماد درحاشیه-

بودن مناطق مرزی استان کردستان (و مناطق غربی کشور) هستند که نه تنها هویت و کار آنها تحت انقیاد است، بلکه به دلیل نداشتن جایگاه، پیوسته در معرض مناقشه و منازعه واقع شده‌اند (مناقشه دلان و سودجویان مرزی، پيله‌وران، گمرک، و حتی نیروهای مرزی و...). در اینجا، با توجه به مبحث ذکر شده، می‌توان نقش و جایگاه گمرک را درباره آنها برجسته کرد. نهاد گمرک در هر منطقه مرزی مشخص شده و قلمرو گمرکی آن دارای اداره گمرک است که سیاست‌ها و قوانین گمرک را به اجرا درمی‌آورد.

در سال ۱۳۷۳، اولین بازارچه مرزی استان کردستان به فاصله تقریبی ۱۷ کیلومتر از شهر مریوان و در جوار روستای مرزی باشماق (گمرک باشماق) احداث شد. این بازارچه تا اولین شهر مرزی استان سلیمانیه (شهر پینجویین) حدود ۶ کیلومتر و تا مرکز استان سلیمانیه (شهر سلیمانیه) حدود ۱۳۰ کیلومتر فاصله دارد. رونق و حجم مبادلات گمرک باشماق، این گمرک را به یکی از مراکز مهم گمرکی در غرب کشور تبدیل کرده است.^۱ با این حال، مرزنشین‌های شهر مریوان سهم چندانی از این رونق و حجم مبادلات ندارند و به کولبری کالاها (همچون سهم) می‌پردازند. باید پرسید که با وجود توسعه و حجم زیاد مبادله‌ها در این گمرک، چرا باز هم شاهد افزایش کولبری هستیم؟^۲ کدام سیاست‌های گمرکی در بر ساخت کولبری مؤثر بوده‌اند؛ گمرک با چه سازوکارهایی، در جهت حذف آنها، سیاست‌هایش را اعمال می‌کند؛ در جهت منافع چه کسانی تصمیم می‌گیرد و سیاست‌هایش در چه قالب‌هایی به اجرا درمی‌آیند؛ آیا تجربه‌ها و اقدامات کولبران، در جایگاه فرودستان و به حاشیه‌رانده شدگان، این قدرت را دارد که سیاست‌های گمرکی را زیر سؤال ببرد؟ این پرسش‌ها دنباله این فرض‌اند که تجربه‌های کولبران می‌تواند دلایل فرودستی ایشان را نشان دهد و بر ساخته شدن مفهوم کولبری در فضای مرز، تابع همین سیاست‌ها و راهبردهاست؛ مفهومی که بر قاعده‌مند بودن و درعین حال، قاعده‌گریزی گمرک دلالت دارد. در چنین وضعیتی، امکان‌های مداخله و سیاست‌های بازتوزیع‌گرایانه، که می‌توانند یا باید باشند (نقش و جایگاه کولبران در مرز و در سیاست‌های گمرکی)، کدام‌اند.

۱. «مدیرکل گمرکات کردستان گفت: ۳۰۸ هزار تن کالا به ارزش بیش از ۷۱۵ میلیون ترانزیت کالا در مرز باشماق صورت گرفته که نسبت به سال گذشته از نظر وزنی ۳۵ درصد و از نظر دلاری ۵ درصد رشد داشته است (به نقل از زریوار خبر، سه‌شنبه ۸ خرداد ۱۳۹۷ / ۱۹:۳۰ | کد خبر: ۵۹۰۹).

۲. به نقل از فراتاب نیوز (www.faratab.com) سهم گمرک رسمی باشماق مریوان از صادرات ۸۵ درصد و دارای نمره عملکردی مدیریتی ۲۰ در نهمه‌ماه اخیر سال است. این خبر در تاریخ ۱۳۹۶/۰۷/۲۷ با شناسه خبری ۵۶۵۵۱ منتشر شده است.

رویکرد نظری

توسعه، در معنای کلی، گفتمانی است که سعی در هم‌گون‌سازی، یکسان‌سازی و جهان‌شمولی دارد. این گفتمان خود و کارگزارانش را با این شیوه در جایگاه حقیقت قرار می‌دهد و شکلی از بودن را به نمایش می‌گذارد که یگانه‌راه خود را پیشرفت و ترقی قلمداد می‌کند. مدرنیسم و رویکردهای آن، با نقد پایه‌های ایدئولوژیک-هژمونیک توسعه، به جریانی تحلیلی و ضد توسعه شکل بخشید که از آن با عنوان «پساتوسعه»^۱ نام برده می‌شود. «مفهوم و تعریف مکتب پساتوسعه براساس انتقادات و ضدیت آن با گفتمان توسعه مدرنیستی شکل می‌گیرد و انتقاد و ضدیت با توسعه مدرنیستی دال مرکزی اندیشمندان مکتب پساتوسعه است» (ساکس، ۱۹۹۲: ۳۲).

پساتوسعه بر اهمیت گفتمان توسعه تأکید می‌ورزد؛ یعنی شیوه‌ای که توسعه تعریف می‌شود و در کانون بحث قرار می‌گیرد. به جای بی‌طرف بودن، نظریه‌پردازان از این بحث می‌کنند که دریافت‌ها درباره توسعه، روابط قدرت جاری را بازتاب می‌دهند و برخی ایده‌های توسعه را «به‌منزله درست» نشان می‌دهند، درحالی‌که دیگر ایده‌ها کنار گذاشته می‌شوند (ضیائی، ۲۰۰۷: ۷۸). این انتقادات را می‌توان اساساً ذیل دو مفهوم چالش‌برانگیز و مناقشه‌آمیز، یعنی مدرنیته و توسعه، جست‌وجو کرد. باری، از منظر پساتوسعه‌گرایان، توسعه گفتمانی است که به نهادهای گوناگون نظم می‌بخشد. به تعبیر اسکوبار،^۲ توسعه «دانش نظم‌دهنده به پراکندگی‌ها» (۲۰۰۰: ۸۶۶) است که ساختاری می‌آفریند و از این طریق مداخله می‌کند و سوژه‌های خود را برمی‌سازد و شکل می‌دهد. با این تعابیر است که می‌توان ایده‌های پساتوسعه را به‌زعم اسکوبار چنین برشمرد: «۱. امکان خلق گفتمان‌ها و نمودهای متفاوت از برساخت‌ها (ایدئولوژی‌ها، استعاره‌ها، زبان، فرض‌های بدیهی و...)»؛ ۲. ضرورت تغییر رویه‌های دانش و عمل و «اقتصاد سیاسی حقیقت»، که رژیم توسعه را تعریف می‌کند؛ ۳. برای تولید دانش چندین مرکز و عامل نیاز است. در ابتدا، باید دانش افرادی را برجسته کرد که ابژه و تابع توسعه قلمداد می‌شوند؛ زیرا آنها می‌توانند مدافع حق خود باشند؛ ۴. دو راه مفید برای انجام این کار عبارت‌اند از: نخست، تأکید بر واژگون‌سازی‌ها و مقاومت‌هایی که در برابر مداخله‌های توسعه وجود دارد (مانند مفهوم کار مخالف)؛^۳ دوم، برجسته کردن راهبردهای جایگزین پروژه‌های توسعه که از سوی جنبش‌های اجتماعی ارائه شده‌اند» (اسکوبار، ۲۰۰۰: در: ضیائی، ۱۳۹۵: ۳۸). در همین جهت، اسکوبار به خلق مفاهیم نو پرداخته است:

۱. Post-Development

۲. Escobar

۳. Counterwork

رد تمرکزگرایی و توجه به تنوع‌گرایی: این مفهوم از مفاهیم بنیادین اندیشه پساتوسعه-گرایانی است که از نظریات پساساختارگرایان به‌ویژه کارهای میشل فوکو الهام گرفته‌اند. فوکو، در تحلیل‌های تبارشناختی‌اش، بر مفهوم حقیقت انگشت نهاده و به پیروی از نیچه آن را با قدرت در ارتباط مستقیم قرار می‌دهد. با وجود این است که می‌توان گفت حقیقت ساخته یا تولید می‌شود: «هرجامعه‌ای رژیم حقیقت خود را دارد که محلی و موضعی است نه جهان-گستر» (کچوییان، ۱۳۸۲: ۴۴). بنابراین، توسعه (در معنای غربی آن)، به‌منزله رژیم حقیقت (گفتمان)، در جهت تمرکزگرایی و جهان‌شمولی گام برمی‌دارد و به این شیوه یک‌دست‌سازی می‌کند؛ زیرا خود را تک‌رژیم حقیقت می‌داند و برای همه جوامع (بدون در نظر گرفتن تفاوت‌ها و تنوع‌های فرهنگی و اجتماعی) نسخه می‌پیچد. دیگر پساتوسعه‌گرایان، در ضدیت با این نگاه، بر جوامع محلی و جنبش‌های آنها تمرکز دارند و حل مسائل آنها را در ظرفیت این مناطق می‌بینند. با وجود این است که گفتمان پساتوسعه‌گرایان، گسترش توسعه مردمی را منوط به تمرکززدایی به‌معنای واقعی کلمه و دادن اختیار بیشتر به مردم محلی می‌دانند (ویلیرز، ۲۰۰۵: ۹۶).

رد قیومیت و توجه به دانش، اجتماع و فرهنگ محلی: قیومیت حاصل عقیده به بی‌کفایتی و ناتوانی کس یا کسانی است که نمی‌توانند رشد کنند و از وضع موجود خود رها شوند و نیاز دارند تحت انقیاد باشند. این مضمون مربوط به زمانی است که از نیمه نخست سده نوزدهم، توسعه (در قالب نوسازی)، در گفتمان توسعه، محور مداخله شده است. بنابراین، می‌توان گفت گفتمان توسعه حامل یک ایده است و آن ایده قیومیت است، قیومیتی که دانای کل و راهنمای راه قلمداد شده است، اما «اگر بسط انتخاب مردم هدف توسعه است، باید میل و ظرفیت انتخاب و آگاهی از انتخاب‌های دیگر را بدیهی دانست؛ یعنی این عوامل، پیش‌شرط و هدف توسعه محسوب می‌شوند. در این تبیین‌ها، حلقه مفقوده قیومیت است؛ یعنی آنان که دارای موضع مسلط هستند، فرآیند توسعه را هدایت و کنترل می‌کنند» (ضیائی، ۱۳۹۵: ۶۶). اینجاست که دانش و سنت بومی طرد می‌شود و فرهنگ مردم توسعه‌نیافته، به فرهنگی بدوی و بدون کارکرد تعبیر می‌شود. با توجه به سوءاستفاده گروه‌ها و دولت‌ها از انواع مشارکت مردم در طرح‌ها و سازمان‌های توسعه‌ای، می‌توان الگویی را پیشنهاد داد که به بخش سوم^۱ یا سازمان‌های غیردولتی اطلاق می‌شود. بخش «نوظهور واجد سرمایه‌ای است که دولت‌ها تا حد زیادی از آن بی‌بهره‌اند و آن دانش بومی و محلی است» (عنبری، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

توجه به امر غیررسمی به‌جای امر رسمی: هر چیزی که در قالب رسمی تعریف نشود و قاعده‌مند نباشد، طرد و کنار نهاده می‌شود (امر غیررسمی) و گفتمان توسعه آن را برمبنای

مناسبات سرمایه‌دارانه می‌سجد که حاکی از برخوردی کارکردگرایانه و ابزاری است. در چنین وضعیتی، این امر نامعمول به نظر می‌رسد که با مدرنیته هم‌خوان نیست و کارکردی منفی دارد. در مقابل، امر رسمی، که از سوی نهادهای توسعه در قالب قانون بنیاد گذاشته شده است و خود را تنها راه بدیل معرفی می‌کند، ساختاری منسجم به خود می‌دهد، ساختاری که هم‌گون‌ساز است و با مجموعه‌ای از رویه‌ها و تکنیک‌ها خود را هنجاری می‌کند. پساتوسعه به دوشفگی امر رسمی و غیررسمی قائل نیست، در غیراین‌صورت، خود را مدافع امر غیررسمی می‌داند. پساتوسعه امر غیررسمی را امکان‌نظمی جدید (یک وضعیت) معرفی می‌کند. از نظر اسکوبار، پایه‌های اساسی اقتصاد باید حول محور انسجام و هم‌بستگی همگانی و متقابل شکل بگیرد. سیاست باید به سمت نوعی دموکراسی مستقیم حرکت کند و جهان علم و تکنولوژی بایستی در را به روی عرف و سنت‌های محلی و بومی باز کند (اسکوبار، ۱۹۹۵: ۱۰۲-۱۰۸).

کار مخالف:^۱ در گفتمان توسعه، دانش، فرهنگ و اجتماع محلی نادیده گرفته شده است؛ چراکه تصور می‌شود توان و ظرفیت کار را ندارد و بنابراین، زائد و مانع توسعه قلمداد می‌شود. پس، باید کارشناسانی به‌منظور تسریع در توسعه گماشته شوند و دانش جدید را منتقل کنند، اما پساتوسعه قاطعانه می‌گوید که توسعه باید از پایین به بالا باشد و کارشناسان باید صرفاً یاری‌دهنده و تسهیل‌کننده باشند نه اینکه به‌جای مردم تصمیم بگیرند و عمل کنند. «نلسون^۲ و رایت^۳ می‌گویند که مشارکت، پیش از آنکه آرامش‌بخش یا مسکن باشد، باید به تغییر روابط بینجامد؛ یعنی دانش محلی را در فرآیند توسعه وارد کند. ادواردز^۴ (۱۹۸۹) با همین رویکرد می‌گوید که "کار مخالف" باز ترکیب سنن و بافت‌های اجتماعی و فرهنگی متعددی است که شکل و معنای مشارکت را به‌خوبی تغییر می‌دهد. نکته مهم در اینجا، شناسایی و تقویت شکل‌هایی از کار مخالف است که از نظر فرهنگی، معنادارتر و از نظر سیاسی، توان‌بخش‌تر از همه باشند» (اسکوبار، ۲۰۰۰؛ نقل از ضیائی، ۱۳۹۵: ۴۵). به‌طور خلاصه، اندیشه‌های برگرفته از آرای پساتوسعه‌گرایان، اهداف و موضوع‌ها، راهکارها و برنامه‌های توسعه را جزئی، جانب‌دارانه، محلی و محدود می‌دانند نه کلی و فراگیر. آنها با زیرسؤال بردن اهداف و برنامه‌هایی که از بالا به پایین به اجرا درمی‌آیند، درصدد بازشناسی و بازتعریف آنها به‌نفع کسانی هستند که راهبردهای قدرت و دانش آنها را به‌حاشیه رانده‌اند.

۱. Work the Opposite

۲. Nelson

۳. Wright

۴. Edwards

پژوهش‌هایی که تاکنون در ایران و در قالب مطالعات مرزی انجام شده‌اند، به زندگی مرزنشینان، فرهنگ و اجتماع آنها توجه چندانی نکرده‌اند و غالباً به نقش و جایگاه مرزنشینان در امنیت مرز، بازارچه‌های مرزی و جغرافیای سیاسی مرزها پرداخته‌اند. اکثر این پژوهش‌ها از دیدگاه آسیب‌شناسانه به پدیده مرز و مرزنشینی پرداخته‌اند که نشان داده‌اند که میزان موالید، رشد جمعیت، سواد، و سرانه امید به زندگی وضعیت نامناسبی دارد (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱؛ تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰؛ زیاری و همکاران، ۱۳۸۸؛ جهانی، ۱۳۹۶؛ حسن‌پور و همکاران، ۱۳۹۴؛ کریم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷). علاوه‌براین، تمرکز این پژوهش‌ها بیشتر بر سوژه‌های مرزنشین بوده و کمتر به نهادها و ساختارهای شکل‌دهنده به تجربیات سوژه‌ها پرداخته‌اند. فقدان دیدگاه انتقادی و نگاه از پایین به بالا مهم‌ترین نقدهای وارد بر این دسته از پژوهش‌هاست.

ذکایی و نوری (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «زندگی در مناطق مرزی: مطالعه پدیدارشناختی مرزنشینان شهر نوسود»، به روش پدیدارشناختی، به بررسی تجربه زندگی در مرز و ادراک مرزنشینان از آن پرداخته‌اند. یافته‌های آنها حکایت از این دارد که تجربه زندگی مرزنشینی، برای شرکت‌کنندگان در پژوهش، از تفاوت‌های فرهنگی و زبانی الهام می‌گیرد که مشکلات و نگرانی‌ها را تشدید می‌کند. پاسخگویان در تلاش برای فهم مشکلات و سختی‌های زندگی‌شان معنای جدیدی به آنها می‌دهند و از این طریق روابطی را بین خود و دیگران شکل می‌دهند که در نهایت مرزهای هویت قومی آنها را بازنمایی می‌کند.

میرزائی و عبده‌زاده (۱۳۹۳) در «بررسی تأثیر بازارچه‌های مرزی بر کیفیت زندگی روستاییان مرزنشین (مورد مطالعه: بازارچه‌های مرزی و روستاهای شهرستان مریوان)»، که به روش ترکیبی صورت گرفته است، به این نتایج رسیده‌اند که وقتی کیفیت زندگی با مؤلفه‌های مختلف آن، از جمله مسکن، درآمد، تعاملات و گرایش‌های فرهنگی، اعتماد بین‌شخصی، مشارکت اجتماعی و احساس به‌زیستی روانی سنجیده می‌شود، بازارچه‌ها تأثیر مثبت و منفی متفاوتی بر کیفیت زندگی روستاییان مرزنشین نزدیک به بازارچه‌ها دارند. مصاحبه‌ها نشان داد که در وضعیت نابرابر کنونی، فقط گروه‌های خاصی از مرزنشینان (به‌ویژه شهرنشینان و تاجران یا صاحبان بارها) از مزایای تأسیس بازارچه‌ها سود می‌برند.

روش‌شناسی پژوهش

پیچیده‌بودن، فرآیندمداری و ارزش‌گذارانه‌بودن در قبال موضوع را می‌توان از دلایل برتری تحقیق کیفی بر تحقیق کمی برشمرد. «تحقیق کیفی تلاش دارد تا موارد عینی را با توجه به خاص‌بودن ویژگی‌های زمان‌مند و محلی‌شان مطالعه کند و این کار را از مطالعه اظهارات و اعمال افراد در متن موضعی که در آن جای دارند آغاز می‌کند» (محمدپور، ۱۳۹۲: ۸۸). مردم‌نگاری از روش‌های کیفی است که محقق از طریق آن به توصیف یا تفسیر ارزش‌ها، رفتارها، عقاید و زبان مشترک یک گروه فرهنگی می‌پردازد. با وجود انتقادهایی به داعیه‌های مردم‌نگاری سنتی، «مردم‌نگاری نهادی»^۱ بنیان گذاشته شد. فرض اصلی روش مردم‌نگاری نهادی این است که تجربه روزمره افراد، شکل گرفته و سازمان‌یافته است و این امر نتیجه عواملی است که خارج از تجربه روزمره کنشگران شکل گرفته است. به این ترتیب، انسان‌ها و تجربیات آنها در برابر نهادها تعریف می‌شود. مردم‌نگاری نهادی، در آمدوشدی مداوم میان صداهای خفه‌شده و متولیان سیاست‌های رسمی، به دنبال دفاع از طردشدگان است و ریشه سازمان‌یافتگی اجتماعی را به واسطه متون بنیادین واکاوی می‌کند. «هدف جامعه‌شناسی فهم نهادها نیست، بلکه می‌خواهد به میانجی متون نهادی و فریاد فرودستان، از آنها فراتر برود و رابطه حوزه محلی و حوزه فوق محلی را کشف کند» (اسمیت، ۲۰۰۴: ۱۸۲).

بنابراین، نظریه انتقادی در پی تغییر زندگی فرودستان است، فرودستانی که به واسطه این سیاست‌ها به حاشیه رانده شده‌اند. برای تغییر این وضعیت، لازم است، نه از بالا، بلکه از درون و به میانجی تجربه به حاشیه‌رانده‌شدگان، درباره نهادها و سیاست‌های آنها قضاوت شود. «مردم‌نگاری نهادی ابزاری است که از انتقاد برخاسته و هدف آن تولید دانش براساس شرایط واقعی زندگی خودمان است» (دوال، ۱۳۸۵: ۶۲). هدف چنین روشی این است که به بازسازی دانش مردم فرودست در مقابل دانش فرادست نایل آید. اسمیت چنین دیدگاهی را «چشم‌انداز» نامیده است. این بازسازی، به میانجی تجربه زیسته فرودستان و متون نهادی شکل می‌گیرد که در نهایت با ساختار حاکم در ارتباط است. تلاقی کردارها و رفتارهای این افراد در محیط و زمانه خاص، در مواجهه با متون نهادی و در آخر قدرت و ساختارهای مربوط به آن، تعریف می‌شود. هدف نهایی از به کارگرفتن این روش، تغییر وضع موجود برای دستیابی فرودستان به زندگی بهتر است که فراتر از برملاکردن ساختارهای کلان و سیاست‌های به انقیادکشنده، «در پی آشکارکردن روال روزانه در این ساختارها و تلاش‌های گوناگون مردم برای درنوردیدن رژیم‌های کنترل است» (هاردینگ، ۱۳۹۴: ۵۹). بنابراین، ما با دو نوع داده سروکار داریم:

۱. Institutional Ethnography

تجرباتی که در کشاکش روابط نهادی شکل گرفته‌اند و متون نهادی‌ای که کلیت زندگی اجتماعی را درنور دیده‌اند و به‌مثابه سیاست‌هایی از بالا تحمیل می‌شوند. برآیند تحلیل این دو دسته داده، باید به تغییر وضع موجود بینجامد؛ یعنی، شکل گرفتن ضلع سوم این مثلث کار را به اتمام خواهد رساند. در بررسی‌های کیفی، می‌توان از دو نوع نمونه‌گیری به‌صورت هم‌زمان استفاده کرد: نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری. از نمونه‌گیری هدفمند به‌منظور گزینش افراد برای مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌ها و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۲: ۸۹). برای تفسیر تجربه مصاحبه‌شوندگان، از تحلیل مضمونی و «مدل امیک»^۱ استفاده می‌کنیم تا بتوانیم در بستر و موقعیت بومی به خوانشی انتقادی از تجربیات شکل‌گرفته دست یابیم. همچنین، متون نهادی مربوط به نهاد گمرک (آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها، سایت مربوط به این نهاد، اقدامات و عملکردهای آن) را واکاوی، تحلیل و نقد کرده‌ایم. به این منظور، از کارشناسان گمرک و کارشناسان و فعالان مدنی در این زمینه برای تحلیل داده‌ها و قوانین گمرکی یاری گرفته‌ایم و داده‌های پژوهش را با استناد به مصاحبه‌های عمیق با ۳۵ نفر از افراد پیش‌گفته جمع‌آوری کرده‌ایم.

جدول ۱. مشخصات نمونه‌های تحت مطالعه

ردیف	نام مستعار مصاحبه‌شونده	سن	شغل	تحصیلات	محل سکونت
۱	کریم	۳۵	کول‌بر	سیکل	روستای قولقوله
۲	قاسم	۳۹	کول‌بر	سیکل	روستای سیف
۳	محمد	۴۹	کول‌بر	ابتدایی	روستای دزلی
۴	علی	۲۸	کول‌بر	لیسانس	روستای سیاناو
۵	توفیق	۶۲	کول‌بر	بی سواد	روستای چناران
۶	وسیم	۵۷	کول‌بر	بی سواد	روستای ساوجی
۷	علی	۴۲	کول‌بر	فوق دیپلم	روستای باشماق
۸	سیوان	۲۴	کول‌بر	دیپلم	روستای دزلی
۹	هاورئ	۲۷	کول‌بر	لیسانس	روستای باشماق
۱۰	شورش	۲۷	کول‌بر	لیسانس	روستای باشماق
۱۱	حمید	۲۹	کول‌بر	لیسانس	مریوان
۱۲	قاسم	۵۵	کول‌بر	ابتدایی	مریوان

۱. مدل امیک مدلی است که ایده‌ها یا رفتار اعضای یک فرهنگ را براساس تعاریف یا دیدگاه‌های بومی آنها تبیین می‌کند. مدل‌های امیک دارای ویژگی فرهنگی خاص و بسترگراست.

زیست‌جهان مرزنشینان و سیاست‌های گمرکی مطالعه‌ای درباب کول‌بران شهرستان مریوان

ردیف	نام مستعار مصاحبه‌شونده	سن	شغل	تحصیلات	محل سکونت
۱۳	احمد	۵۷	کول‌بر	بی‌سواد	مریوان
۱۴	هاوار	۲۲	کول‌بر	دیپلم	مریوان
۱۵	جلال	۴۵	کول‌بر	دیپلم	روستای ساوجی
۱۶	سمکو	۲۸	کول‌بر	لیسانس	مریوان
۱۷	هوشیار	۴۸	کول‌بر	دیپلم	روستای باشماق
۱۸	هورامان	۳۶	کول‌بر	لیسانس	روستای دره‌کی
۱۹	اسد	۴۸	کول‌بر	دیپلم	روستای دره‌کی
۲۰	محمد	۵۱	کول‌بر	راهنمایی	روستای دره‌کی
۲۱	کریم	۴۰	کول‌بر	دیپلم	روستای دره‌کی
۲۲	رحمان	۴۸	کول‌بر	راهنمایی	روستای نی
۲۳	خبات	۲۷	کول‌بر	لیسانس	روستای نی
۲۴	آوات	۳۹	کول‌بر	دیپلم	روستای نی
۲۵	مهران	۱۷	کول‌بر	دبیرستان	روستای نی
۲۶	حیدر	۳۶	کول‌بر	راهنمایی	روستای نی
۲۷	ولی	۳۸	کول‌بر	فوق دیپلم	روستای نی
۲۸	مصطفی	۶۲	کول‌بر	بی‌سواد	روستای دره تفی
۲۹	عادل	۲۲	کول‌بر	متوسطه	روستای دره تفی
۳۰	حبیب	۳۸	کول‌بر	لیسانس	روستای دره تفی
۳۱	سیوان	۵۲	کول‌بر	راهنمایی	روستای دره تفی
۳۲	کارو	۲۱	کول‌بر	دیپلم	روستای باشماق
۳۳	هیمن	۲۸	کول‌بر	لیسانس	روستای باشماق
۳۴	حسن	۵۴	کول‌بر	ابتدایی	روستای باشماق
۳۵	هوشیار	۴۸	کول‌بر	دیپلم	روستای باشماق

میدان مطالعه شهرستان مریوان است که با ۱۹۵,۲۶۳^۱ نفر جمعیت در استان کردستان قرار دارد. این شهرستان با کردستان عراق هم‌مرز و دارای بازارچه مرزی و گمرک باشماق است که از سال ۱۳۷۳ تأسیس شده است. حجم مبادلات و فعالیت‌های گمرک مریوان از دهه ۱۳۹۰

۱. این آمار برگرفته از سایت مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، طبق آخرین سرشماری است.

به بعد گسترش چشمگیری داشته است.^۱ با وجود این، آمار کسانی که به کول‌بری مشغول‌اند هم افزایش یافته است. از آمار کول‌بران اطلاع دقیقی در دست نیست، اما می‌توان گفت که تعداد زیادی از مرزنشینان به‌ویژه مردم روستاهای مرزی (غالب بر ۱۴۷ روستا) به کول‌بری می‌پردازند. درباره متون نهادی‌ای که با آنها سروکار داریم، می‌توان به قوانین گمرک، بخش‌نامه‌ها، سیاست‌ها (مانند کارت مرزنشینی و پبله‌وری، تأسیس تعاونی‌ها، تعیین بازارچه‌ها، محدوده‌های گمرکی حمل کالا، بی‌توجهی به الزامات منطقه‌ای و...) اشاره کرد.

یافته‌های پژوهش

توسعه همیشه زاده یک ازدواج ناهم‌گون، پیوندی گفتمانی، و روابطی است که قدرت و دانش آن را شکل داده‌اند؛ قدرت و دانش خود را در مکان، فضا و ساختاری قرار می‌دهد تا بتواند اعمال شود و سوژه‌های خود را خلق کند. در چنین وضعیتی، گزاره‌ها و حکم‌هایی برقرار می‌شود که موجودیت خود را در نهادی سازمان‌یافته می‌بیند. رسمی و اداری بودن، قانونی و مقرراتی بودن، که با تمرکز متجانس شناخته شده است، واقعیت را تعریف می‌کند و جهت می‌دهد و به‌عبارتی دیگر، بساخت می‌کند. گمرک این گزاره‌ها را برقرار کرده و به‌حکم حقیقتی سازمان‌یافته عمل و سوژه‌های خود (کول‌بران) را خلق کرده است. برای آنکه بتوان موقعیت را بهتر تشریح کرد، لازم است که نخست، سیاست‌های گمرکی را با توجه به وظایف تعیین‌شده، قوانین و سیاست‌های اجرایی آن و... بازشناخت. دوم، باید به روابط و مناسبات آن توجه کرد که بر نقطه مقابل (در اینجا مشخصاً مرزنشینان و کول‌بران) اعمال می‌شود. سوم، لازم است بر روابط و سیاست‌گذاری‌های بازتوزیع‌گرایانه تأکید شود، به‌طوری‌که به خلق روابط و مناسبات دموکراتیک برای مرزنشینان و کول‌بران بینجامد.

همیشه این تلقی وجود دارد که توسعه تجارت مرزی باعث نشت اقتصادی می‌شود و وجود گمرک در منطقه به شکوفایی آن، به‌ویژه شکوفایی اقتصادی، منجر می‌شود. اما باید پرسید چرا با وجود این ادعاها معیشت برخی از مردم از طریق شغل دشوار کول‌بری تأمین می‌شود.

در اینجا، برای روشن‌شدن نحوه و تأثیر اعمال سیاست‌ها و نشان‌دادن موضع‌گیری‌ها در این زمینه، لازم است به مرزنشینان و کول‌بران و تجربیات آنها درباره این سیاست‌ها و قوانین پرداخته شود؛ زیرا بررسی و تحلیل یک‌جانبه سیاست‌ها و قوانین گمرکی (حتی با نگاهی

۱. مدیرکل گمرکات استان کردستان گفت گمرک مرز باشماق رتبه نخست ترانزیت خارجی را در بین ۵۶ گمرک کشور کسب کرده است (به نقل از *زریوار خبر* ۱۳۹۶/۶/۱۹ کد خبر: ۶۱۴۶۲۸۹ ۶۱۴۶۲۸۹ ۸۲۶۵۰۲۷۹)

انتقادی) مفید واقع نمی‌شود. برای این کار، باید دید خود مردمی که این سیاست‌ها را تجربه کرده‌اند چه معنایی به تجربه خود می‌دهند، خود را در این سیاست‌ها چگونه می‌بینند و گمرک آنها را چطور بازنمایی کرده است. فرض ما این است که این تجربه‌ها برساخته موقعیتی‌اند که این سیاست‌ها به آن شکل داده‌اند، اما، برای تفسیر و واکاوی بیشتر، به سراغ تجربه کول‌بران می‌رویم. کریم، ۳۵ ساله، از تجربه‌هایش بعد از ده سال کول‌بری می‌گوید:

اصلاً نمی‌توان کول‌بری را شغل دانست. نه درآمدی دائمی دارد و نه مزایایی و نه هیچ چیز. ما هم مجبور هستیم. کاری نداریم و اگر این کار را هم نکنیم، خرجی زندگی را از کجا بیاوریم. ما فقط کول‌بر هستیم، اما همیشه طوری با ما برخورد می‌کنند که انگار جنایت کرده‌ایم. از سر ناچاری است.

قاسم، در تأیید گفته‌های کریم، به این نکته اشاره می‌کند که آنها اصلاً نمی‌دانند گمرک کجاست و کاری هم در گمرک ندارند.

ما با نیروهای مرزی کار داریم که برخورد تند و خشنی با ما دارند. در کار ما اصلاً امنیتی در کار نیست. ما گاهی با آنها درگیر می‌شویم و اعتراض می‌کنیم اما فایده‌ای ندارد.

آقامحمد، ۴۹ ساله، که از ۱۶ سالگی کول‌بری می‌کند، می‌گوید:

با کول‌بری خرج خانواده پنج نفری‌ام را تأمین می‌کنم. کارت مرزنشینی دارم که با آن فقط می‌توانم هفته‌ای یک تا دوبار فقط از مرز بازارچه کول‌بری بکنم، هفته‌ای صدتومن و نهایتاً دویست تومن از آنجا پول درمی‌آورم و چون این مقدار پول کفاف خرج زندگی‌مان را نمی‌دهد، به کار کول‌بری در جاهای غیر تعیین شده می‌پردازم.

آقامحمد، که پسرش هم در کار کول‌بری است، از وضعیت او چنین می‌گوید:

او جوان است و نمی‌داند که کول‌بری چه آخر و عاقبتی دارد. من خودم الان پانزده ساله‌ام که درد می‌کند و دیسک کمر هم گرفته‌ام و دیگر نمی‌توانم کول‌بری بکنم و درآمد کفاف هزینه بیمارستان و دکتر را نمی‌دهد.

ایشان در جواب اینکه آیا چاره‌ای برای اینکه از این شغل رها شوید نکرده‌اید، می‌گوید:

این را که نمی‌توان شغل دانست، ما مجبوریم و اگر این کار را هم انجام

ندهیم پس چکار کنیم؟

آقامحمد به تشکیل شورای مرز چنین اشاره می‌کند:

می‌خواستیم شورای مرز تشکیل بدهیم که دنبال کارها و پیگیر مسائلمان باشد، البته تشکیل هم دادیم، کسانی بودند که از بین خودمان و مثل ما بودند، کول‌بر بودند. البته، دونفر از شورا و دهیار روستا هم در جمع هفت‌نفره شورا بودند. اما بعداً فهمیدیم که بی‌فایده است، چون جواب کسی را (ارگان‌های ذی‌ربط) نمی‌دهند و منصرف شدیم.

علی، ۲۸ ساله، که ده‌سال است در مرز کول‌بری می‌کند، دربارهٔ سختی کار چنین می‌گوید: راه پرخطر و فراز و نشیبی است. از ساعت دوازده شب می‌رویم تا چهار و پنج، نزدیک به سی‌چهل نفریم. البته، گاهی بیشتر می‌شویم تا دویست سیصد نفر هم می‌رسیم. با کول نزدیک شصت هفتاد کیلو جنس را از مرز (کردستان عراق) وارد می‌کنیم. شب با آن‌همه بار از یک راه باریک بدون هیچ‌گونه روشنایی و با مسافت حدوداً ۲۰ کیلومتر راه می‌افتیم و نمی‌توانیم استراحتی هم بکنیم، خیلی سخت است.

او در ادامه از شکسته‌شدن پایش می‌گوید:

یک‌بار پام بدجور شکست، تا یک‌سال خانه‌نشین بودم و از پس‌انداز خرج می‌کردم. نه بیمه‌ای داریم و نه کسی هم حمایتان می‌کند.

آقا توفیق، ۶۲ ساله، از تجربهٔ تیراندازی و زخمی‌شدنش در مرز می‌گوید:

زمستان پیرارسال در کوه‌های مرز که داشتیم بار حمل می‌کردیم، ناگهان دیدیم صدای گلوله از هر طرف می‌آمد و معلوم نبود کی و از کجا شلیک می‌شوند. رهبر گروهمان که اول از همه بود، داد زد که فرار کنید، گشت آمده (منظور گشت هنگ مرزی)، هر یکی از طرفی در رفت و من هم که کولم (بار پارچه) شل شده بود، نتوانستم زیاد فرار کنم. بعد مأموران تیراندازی کردند و پایم زخمی شد.

آقا وسیم، دوست آقا توفیق، در این باره می‌گوید:

من هم پارسال با کول زدم زمین، دستم شکست. سه‌ماه خانه‌نشین بودم. هنگ مرزی در مرزها قرار دارد و آنها هم بی‌اعتنا به معیشت و زندگی ما هستند. تا حالا چندبار مورد شلیک مأموران قرار گرفته‌ام.

او دربارهٔ این سؤال که آیا کاری برای این وضع کرده‌اید یا نه، با عصبانیت جواب می‌دهد:

مگر کسی هم به ما توجهی می‌کند؟ چندبار گروه تشکیل دادیم و رفتیم جلو فرمان‌داری، اولش قول‌هایی می‌دادند و بعداً هیچ‌کی جوابگو نبود.

علی، ۴۲ ساله، که خودش عضو شورای یکی از روستاهای مرزی است، در این باره می‌گوید:

با استفاده از کارت مرزنشینی اقدام به حل این موضوع کردند، اما مشکلات ما حل نشد، بلکه تشدید هم شد. در اوایل می‌خواستند کول‌بران را سامان‌دهی کنند. اما به دلیل عدم شناخت از وضع منطقه و درآمد ناکافی کول‌بران، این اقدامات صرفاً برای پیلهوران به‌صرفه بود. او در ادامه به بی‌توجهی مسئولان به شوراها و دهیاران مناطق روستایی اشاره می‌کند و می‌گوید:

ما به مردم و کول‌بران و مشکلاتشان آگاه‌تریم، اما تا حالا کسی به‌سراغ ما نیامده تا درباره این مشکلات راه چاره پیدا کنیم. او در ادامه به بازارچه‌های مرزی و کارت پیلهوری می‌پردازد: این اقدامات صرفاً برای پیلهوران و صاحبان بارها و اجناس سودمند است و کول‌بران فقط حاملان این سودها هستند. به دلیل نبود کار، مهارت‌های شغلی و عدم سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی و فقدان انگیزه در جوانان برای تحصیل، ساکنان مناطق روستایی مجبور به کول‌بری از همان اوایل زندگی می‌شوند. سیوان، ۲۴ ساله، می‌گوید:

از شانزده‌سالگی که تازه چشم باز کرده بودم کول‌بری کرده‌ام. شرایط تحصیل به دلیل فقر مالی برایم فراهم نبود و هیچ کاری هم نداشتم. در ابتدا فکر می‌کردم با این کار می‌توانم زندگی بهتری داشته باشم؛ چون پول زیادی گیر می‌آوردم، اما به تدریج که مرز را می‌بستند، پولی که از این طریق به دست می‌آوردم خرج می‌شد و من محتاج‌تر می‌شدم.

او از طرح کارت مرزنشینی چنین استنباط می‌کند: از شرایط گرفتن این کارت، ارائه کارت سربازی و متأهل بودن است. دوستانم برای آنکه بتوانند متقاضی این کار باشند، مجبور شدند ازدواج کنند یا به سربازی بروند و برای اینها هم مجبور به گرفتن قرض شدند و با اوضاع بد الان مرز و بسته بودن آن، آنها شرایط بدی را تجربه می‌کنند. هاووری، جوان ۲۷ ساله، که نزدیک به هشت سال است کول‌بری می‌کند، دلیل کول‌بری را مشکل اقتصادی و عدم سرمایه‌گذاری دولتی و بخش خصوصی در این مناطق می‌داند. او می‌گوید: ما در حاشیه زندگی می‌کنیم و هیچ‌گونه امکاناتی به ما نمی‌دهند. شورش، در تأیید حرف‌های او، به درآمدهای گمرک و مرز باشماق اشاره می‌کند و اقداماتی از جمله کارت مرزنشینی و بازارچه و... را بی‌اثر می‌داند. او می‌گوید:

اگر کولبری هم نباشد باید به تهران یا شهرهای دیگر برویم و کارگری بکنیم، چون نه سرمایه‌ای داریم و نه مهارتی.
حمید، دوست هاووری، می‌گوید:

در روستای ما شغلی به‌جز کولبری نیست که انجام بدهیم، آن‌هم با هزارتا بدبختی. روستای ما نه کارت مرزنشینی دارد و نه تعاونی دارد و کسی هم به فکر این چیزها نیست. این کار هیچ آینده‌ای ندارد و بعضی وقت‌ها مرز را می‌بندند و کاملاً بی‌کار می‌شویم.

جدول ۲. تحلیل تماتیک داده‌های مصاحبه

تحلیل تماتیک داده‌های مصاحبه						
هسته مرکزی	مقوله‌های اصلی	مفاهیم و مقوله‌های فرعی				حوزه
حذف کردن	کار ناامن	عدم سرمایه‌گذاری	عدم مهارت در شغل‌های دیگر	بی‌کاری و فشار اقتصادی	درآمد موقت و ناچیز	کار و اقتصاد
	نادیده‌گرفتن ساختار اجتماعی و فرهنگی مرزنشینان	لحاظ نکردن نقش نخبگان و شورا و دهیاران	اعتراض‌های جسته و گریخته	تشکیل شورای مرز	تشکیل گروه‌های غیرمنسجم کولبری	اجتماع و فرهنگ
	آسیب‌های درحاشیه‌بودن	محرومیت از منابع (آموزشی، رفاهی و سرمایه‌ای)	نداشتن بیمه درمانی (شکستن اعضای بدن)	کشته و زخمی شدن، تخریب اعتمادبه‌نفس (نگاه امنیتی به مرز)	انتهای طیف سنی (نوجوانان و افراد بالای ۶۰ سال)	آسیب‌ها
	عدم بازنمایی در برنامه‌های گمرکی و مرزی	نابرابری در ارائه امتیازات	بی‌کفایتی و عدم موفقیت تعاونی مرزنشینان	سهم‌نبودن در بازارچه مرزی	عدم کفایت کارت مرزنشینی	اقدامات گمرکی و مرزی

برای مشخص‌تر نشان دادن مباحث، به مقوله‌های اصلی، البته در گردهاگرد هسته مرکزی، پرداخته‌ایم و با توجه به سیاست‌های گمرکی، به‌منزله بخشی از برساخت کولبران و بازنمایی آنها، داده‌ها را تشریح می‌کنیم و بر همین مبنا، سیاست‌های بازتوزیع‌گرایانه را بازمی‌شناسیم.

کار ناامن در مرز و اقدامات گمرک در قالب کارت مرزنشینی و تعاونی مرزنشینان:
راهکارهایی در قالب طرح‌هایی مثل کارت مرزنشینی^۱، برای اهدافی همچون تأمین حداقلی رفاه و نیازهای مردم مرزنشین تدارک دیده شده است، اما عملاً یا بی‌استفاده مانده یا برخی دلالت و سودجویان از آن سوءاستفاده کرده‌اند. این قوانین، با تأکید مفرط بر مسائل اقتصادی، باعث شده است که مرزنشینان، به‌ویژه کول‌بران، خود را در این بازنمایی گم‌گشته بیابند.^۲ کول‌بران به‌مثابه فرودستان تعریف شده‌اند و بازنمایی‌ای که از آنها صورت گرفته، آنها را در قالب واژه‌های متخاصمی همچون قاچاقچی‌ها و اشرار و... جای داده است. گمرک همیشه با ادعای اینکه باعث توسعه این مناطق می‌شود (صرف رشد اقتصادی به‌جای توسعه پایدار)، با ارائه آمارهای مالی، در مقام توجیه اقدامات خود برمی‌آید. اما نکته اینجاست که با وجود پیشرفت‌ها، پدیده کول‌بری به‌طرز عجیبی گسترده می‌شود و مرزنشینان هیچ سهمی از این پیشرفت نمی‌برند. تعاونی‌های مرزنشینان هم عملاً هیچ‌کاری برای حل مشکلات معیشتی آنها انجام نداده‌اند. حمید، که خود عضو تعاونی مرزنشینان است، می‌گوید:

در چندروز تعاونی تأسیس شد، اما معلوم نبود که برنامه‌هایش چیست.
فکر کنم یک پولی آمده بود و آن را خوردند! ما سهم خریدیم و گفتند
که مایحتاج شما را از اینجا تأمین می‌کنیم.

طرد ساختار اجتماعی و فرهنگی مرزنشینان و ترسیم قلمرو گمرکی: در ماده ۳ قوانین گمرکی، که وظایف گمرک را دربردارد، مشخصاً به وظایف اصلی این سازمان اشاره شده است. بند ت، کنترل و نظارت بر امر عبور کالا از قلمرو کشور، به آن کالاهایی اشاره دارد که «کالای

۱. در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۲، طرحی در قالب کارت مرزنشینی به روستاهایی که در ۲۰ کیلومتری مرز قرار داشتند، ابلاغ شد. فعالیت آنان در مرز، در چارچوب بازارچه‌های مرزی و تعاونی‌های مرزنشین صورت می‌گیرد. همچنین، صدور ۱۹۸ هزار کارت مرزنشینی ویژه کردستانی‌ها عنوان تیتیر خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) در مورخ ۱ آذر ۱۳۹۴ بوده است. کد خبر: ۹۴۰۹۰۱۰۵۰۹.

۲. در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۸، خبری در سایت گمرک نوشته شده است: «اولین مرز رسمی پيله‌وری در کشور افتتاح شد. اولین مرز رسمی پيله‌وری کشور با حذف کول‌بری در مرز سیران‌بند بانه در کردستان رسماً افتتاح شد». دومین مرز رسمی پيله‌وری در شیخان شهر مریوان با فاصله کمی از آن افتتاح شد. در سایت گمرک، هدف این طرح چنین بیان شده است: «مقرر شده تا با سامان‌دهی مبادلات مرزی در کارت الکترونیکی مرزنشینان خدمات تخفیف گمرکی در ازای هر نفر ۵۰۰ هزار تومان در ماه را برای مرزنشینان شارژ کنند. با اجرای این طرح، کول‌بری و حمل کالا بر دوش مرزنشینان در چارچوب سامان‌دهی مبادلات مرزی حذف و افراد مشمول این طرح پيله‌ورانی هستند که با تخفیف‌های گمرکی سود مناسب ماهیانه را کسب خواهند کرد». کلیت اظهارات مصاحبه‌شوندگان نشان داد که این اقدام پاک‌کردن صورت مسئله کول‌بری است و سود حاصل از این اقدامات نصیب پيله‌وران و سرمایه‌داران شهری می‌شود.

مجاز^۱ و «کالای مجاز مشروط»^۲ شناخته شده است و عبور آنها تنها از قلمروهای گمرکی مجاز (بر اساس قانون کشوری و شرع اسلام) شناخته شده است (مجدی کیا، ۱۳۹۵). اما، آنچه محل بحث است، کالاهایی است که خارج از قلمروهای گمرکی وارد یا خارج می‌شود. بخشی از این کار به واسطه کول بران صورت می‌گیرد که مشمول تشریفات و کنترل‌های گمرکی با استفاده از شیوه‌هایی مانند مدیریت خطر، بازرسی‌های منظم یا اتفاقی، به کارگیری تجهیزات و شیوه‌های نوین بازرسی، روش‌های مبتنی بر حساسی و در موارد استثنایی، بدرقه یا مراقبت، نمی‌شوند. کول بران مرزنشینانی هستند که در چارچوب این تشریفات و کنترل‌های گمرکی قرار داده نشده‌اند. آنان هیچ نقشی در، به اصطلاح، «تشریفات گمرکی»^۳ ندارند، یا می‌توان گفت برایشان نقشی قائل نشده‌اند. آنها اکثراً کالاهای «قاچاق» را با کول، اسب و قاطر در کوه‌های صعب‌العبور حمل می‌کنند. در اینجا، نگاه صرف به پیشرفت و رشد اقتصادی‌ای که مرزنشینی با خود به همراه می‌آورد، و برجسته کردن نقش بازار در شکل‌گیری این رشد، ما را اغوا می‌کند و بنابراین، ابعاد دیگر را نادیده می‌گیریم. به تبعیت از کارل پولانی^۴، می‌توان خاطر نشان ساخت که «کنار گذاشتن آرمان شهر بازار ما را با واقعیت جامعه مواجه می‌کند» (پولانی، ۱۳۹۱)، جامعه‌ای که در معرض تعرض است. جامعه مرزی، به حاشیه رانده شدگان، تنها آنجا بازنمایی می‌شوند که منافع را تأمین، بازار را تسهیل و خود هم بر اساس مقررات عمل کنند. نگاه صرف اقتصادی گمرک به مرز (با استناد کلی به قانون گمرکی) و بازاری دیدن آن توسط دولت‌ها، شرکت‌ها و پیلهوران، مرز را به برساختی کاملاً اقتصادی تبدیل کرده که حتی به ذهن هم خطور نخواهد کرد که مرز و فضای آن، حاصل وجود مردمی است که زیر سیاست‌های بازار خفه شده‌اند و اجتماع و فرهنگشان نادیده گرفته شده است. باز هم متأثر از کارل پولانی، می‌توان گفت: «در عوض اینکه اقتصادی بودن در روابط اجتماعی جای بگیرد، روابط اجتماعی در نظام اقتصادی جای گرفته است» (همان، ۶۰).

گمرک قلمروی را در مرز مشخص کرده و سازمان‌دهی و نظارت بر آن را برعهده دارد و خود را از فرهنگ و اجتماع مرزنشینان دور کرده و به این فرهنگ و اجتماع بی‌اعتنایی کرده است. ذکر نکردن فصل و بخشی در دستورالعمل‌ها و قوانین گمرکی مربوط به اجتماع مرزنشینان دال بر این مدعاست. مرزنشینان مجبورند تمام مناسباتشان را در چارچوب این

۱. کالایی که صدور یا ورود آن با رعایت ضوابط نیاز به کسب مجوز ندارد.

۲. کالایی که صدور یا ورود آن به کسب موافقت قبلی یک یا چند سازمان دولتی نیاز دارد.

۳. کلیه عملیاتی است که در اجرای مقررات گمرکی انجام می‌شود.

«قلمرو گمرکی»^۱ و قوانین آن قرار دهند و پیوسته در چنین وضعیتی به بازخوانی خود اقدام کنند. در سایت گمرک، وظایف آن چنین آمده است: «گمرک به طور قانونی فقط نقش تطبیق واردات و صادرات را با مقررات وضع شده برای واردات کالا و صادرات دارد». این قوانین صرفاً اقتصادی است که گمرک را به بنگاه اقتصادی بدل کرده و منطق بازار را بر آن حاکم کرده است و جنبه‌های دیگر را زائد می‌داند و وجود آنها را اختلالی قلمداد می‌کند که باید به‌رهنحوی کنترل و مدیریت شود. کالایی کردن امور فرهنگی و اجتماعی باعث نادیده‌گرفتن کسانی شده است که یا خود باید به کالا تبدیل شوند، یا کالا حمل کنند. بختیار، ۴۵ ساله، می‌گوید:

... ما با گمرک کاری نداریم. فقط برای پرداخت جریمه حمل بار (کول‌بری) به آنجا رفته‌م. گفتند که باید در حوزه‌ای که ما تعیین کرده‌ایم کار کنید. من گفتم که خوب کول‌بری ماهی دوشب است که آن دوشب هم کفاف زندگی ما را نمی‌دهد.

آسیب‌های درحاشیه‌بودن و مرزنشینی: با حادث شدن مسئله کول‌بری^۲ (منظور مسئله‌شدن آن با بازنمایی از جانب دولت، رسانه‌ها و نهادها به‌ویژه نهاد گمرک است)، گمرک هم اقداماتی در جهت حل مشکلات کول‌بران انجام داده است.^۳ توسعه سوژه‌های به‌انقیادکشیده مختص به خود را می‌آفریند. تجدد و مدرن‌بودن در قالب نهادها برای آن‌دسته‌ای مفید و سودآور است که توسعه را به موضوعی یک‌سویه و جانب‌دارانه و منفعت‌طلبانه تبدیل کرده‌اند و کول‌بران را در فضایی قرار داده‌اند که احساس طردشدگی دارند و آن را سرنوشتی محتوم قلمداد می‌کنند. آنها، هم‌زمان، از آسیب‌های دیگر، از جمله آسیب‌های جسمی و روحی شدید، رنج می‌برند و باز خود را از خدمات رفاهی و سرمایه‌گذاری‌ها محروم می‌بینند. موقعیت مرز همیشه برای معیشت آنها ناپایدار و بی‌ثبات است و هیچ چشم‌انداز مثبتی برای مرزنشینان ندارد. آنها درباره کارشان احساس حقارت دارند، اما خود را مجبور به انجام آن می‌دانند. مصاحبه‌شوندگان از تیراندازی نیروهای مرزی به خود و چارپایانشان و خسارت‌ها و آسیب‌های ناشی از آن می‌گویند و خود را بازنده این وضعیت می‌دانند. آنها از آسیب‌های جسمی و روحی و ناتوانی از حل آنها می‌گویند و

۱. قلمرو گمرکی: آن قسمت از قلمرو کشور است که در آن قانون امور گمرکی اعمال می‌شود.

۲. در این شرایط بود که مجلس شورای اسلامی بهمن‌ماه همین سال (۱۳۹۶) طرح دوفوریتی را برای رسیدگی و تأمین معیشت مرزنشینان (به‌ویژه کول‌بران) تصویب کرد. عبدالکریم حسین‌زاده، بانی امضای ۱۲۰ نماینده بود (نقل از خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) ۸ بهمن ۱۳۹۶ کد خبر: ۹۶۱۱۰۸۰۴۷۵۶).

۳. اجرای طرح کول‌بری به استان‌های هدف ابلاغ شد (نقل از خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) ۸ بهمن ۱۳۹۶ کد خبر: ۹۶۱۱۰۸۰۴۷۵۶).

به فقدان خدمات درمانی اشاره می‌کنند. جوانان به‌ویژه (چراکه در اکثریت‌اند) به‌دلیل «فقر موقعیت»^۱ دچار سرخوردگی شده‌اند و این کار را صرفاً برای گذران معیشت انجام می‌دهند.

عدم بازنمایی در برنامه‌های گمرکی و شکل‌گیری اعتراضات مدنی: فضایی که بر برنامه‌های گمرک حاکم است، بر حاکمیت سازمان‌یافته‌ای دلالت دارد که به فضایی فیزیکی و خارجی تقلیل یافته است و قواعد و اقدامات آن تداعی‌کننده برتری بر زمینه اجتماعی و کنش اجتماعی است. فضای مرز دیگر فضایی اجتماعی نیست، بلکه فضایی سازمان‌یافته است که روابط و مناسبات خاص خود را دارد. روابط متنازع کول‌بران و دلان، کول‌بران و نیروی انتظامی، و کول‌بران و کارکنان گمرک، مطابق قواعد نهادی شکل گرفته است که با هم هم‌پوشانی دارد و مناسبات را تک‌قطبی کرده‌اند. این روابط اجتماعی شکل گرفته در مرز، به ساختارها کارکرد و معنا می‌بخشد. کول‌برانی که در این روابط و ساختارها تعریف نشده‌اند، بی‌کاربرد و بی‌معنا هستند. بی‌اطلاعی کول‌بران از اقدامات و برنامه‌های گمرکی، از حذف آنها در این برنامه‌ها حکایت دارد. مشخص‌ترین ماده‌ای که درباره مرزنشینان در قانون گمرک آمده است، مربوط به ماده ۱۵۹ و بند «ث» است، با این عنوان: «مبادله کالا در تجارت مرزی از قبیل مرزنشینی، پیله‌وری، بازارچه‌های مرزی با رعایت قوانین مربوطه، از نظر کنترل‌ها و تشریفات گمرکی تابع مقررات این قانون است». این کلی‌گویی، صرفاً در پی یک‌دست‌کردن و هم‌گون‌کردن قانون درباره مرزنشینان و تعیین فعالیت‌ها و نحوه معیشت آنهاست. در اینجا، زندگی آنها تابع قوانینی است که به خود ارجاع می‌دهد (رعایت قوانین مربوطه، تابع مقررات این قانون). ارجاعی که تعریف می‌کند، شکل می‌دهد و به‌قصد کنترل عمل می‌کند. همان‌طور که تجربه کول‌بران نشان داد: «آنها ما را نمی‌بینند و به ما توجه نمی‌کنند». مقاومت در برابر این قوانین، خود را در قالب اعتراضات مدنی نشان می‌دهد.^۲

سیاست‌های گمرک بخشی از سیاست‌های کلی هر دولت است و عمدتاً در زمینه واردات و صادرات کالا در قلمرو گمرک اتخاذ می‌شود. این سیاست‌ها در قالب مصوبه‌ها و بخش‌نامه‌ها، با توجه به قوانین ملی هر کشور و امور گمرکی کشورها در قالب‌های بین‌المللی، همکاری‌های دولتی و اتحادیه‌های گمرکی مشروعیت اجرا می‌یابند. قوانین گمرکی در قالب یک نظام تدوینی

۱. Pauvraute de situation، اصطلاح متعلق به پیر بوردیو است.

۲. تیتیر «گلائیة بازاریان بانه از بسته‌شدن مرزها»: (نقل از خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) ۲۹ فروردین ۱۳۹۷، کد خبر: ۹۷۰۱۲۹۱۰۸۸۶). اعتراضاتی هم در شهرهای بانه، مریوان، جوان‌رود و... به بی‌توجهی به خواسته‌های کول‌بران و بازاریان انجام شد که با انداختن سفره‌های خالی در خیابان‌های شهر، به‌نشانه اعتراض به بسته‌شدن مرزها توسط گمرک صورت گرفت.

به نام «مقررات گمرکی»^۱ است که اغلب به‌وسیلهٔ بخش‌نامه‌ها، جزئی و مختص شده است، اما مشخصهٔ اصلی آن جهان‌شمولی و کلی‌بودن آنهاست. به این ترتیب که مقررشدن یک قانون و تعمیم آن به کلیهٔ قلمروهای گمرکی، بر این کلی‌بودن دلالت دارد. این شیوه از حکم‌ها را می‌توان «بهنجارکردن و یک‌دست‌سازی»^۲ نامید که درصدد متمرکزکردن و رفع همهٔ تنوع‌هایی است که در هر نقطه از مناطق مرزی وجود دارد. این تمرکز قدرت، اختیار کامل را در دست عده‌ای قلیل قرار می‌دهد که از منافع مرزی سود می‌برند. آنها از «نهادینه‌سازی»^۳ این منافع در گمرک استفاده می‌کنند که صبغهٔ حرفه‌ای و «تخصصی‌سازی»^۴ امور را هم به خود گرفته است. در کل، این سیاست‌ها با این سه ویژگی خود را «مشروع»^۵ نشان می‌دهند. بنابراین، پیوند قدرت و دانش اینجا عیان می‌شود. استراتژی‌های حذف با این سه شیوه پیاده می‌شود و با سازوکارهایی از جمله کارت مرزنشینی و پیلهوری و ایجاد بازارچه‌های مرزی در جهت ادامهٔ فرآیند کار کول‌بری و برساخت آن به اجرا درمی‌آید. در اینجاست که نگاه از بالا به پایین حاکم می‌شود و قطعیت آن روشن است. حکمی که در ماده‌ها و بندهای کلی عرضه می‌شود و معمولاً اوضاع اجتماعی و فرهنگی مناطق محلی را نادیده می‌گیرد. متعاقباً، راه‌ها و حکم‌های دیگر به‌دلایلی چون نامنسجم‌بودن، غیرعلمی و غیرتخصصی‌بودن، غیرکارکردی و پیش‌پافتاده‌بودن و... رد می‌شوند.

با وجود این، باز سؤال اینجاست که با وجود انقیاد و تسلطی، که خود را به‌صورت «جبر آیینی» نشان داده است و منکر هر نوع تغییری است، آیا می‌توان از رهایی سخن گفت؟ به‌عبارت دیگر، آیا مرزنشینان، به‌ویژه کول‌بران، می‌توانند سیاست‌های نهادینه‌شده در گمرک را زیر سؤال ببرند؟ آیا می‌توان بدیل‌هایی برای این وضعیت ارائه داد که نقش آنها پررنگ باشد و وضع را به‌صورت برابر (باز)آفرینی کند؟

ویژگی‌های اجتماعی همیشه سیال‌تر از آن است که قاعده‌مند شود و در دستورالعمل‌ها جای گیرد. مسیر و دیدگاه را باید تغییر داد تا تغییری حادث شود. دربارهٔ موضوع این مقاله، لازم است دستورالعمل‌های گمرکی، که از بالا به پایین می‌نگرند، این‌بار از نگاه پایین به بالا

۱. قوانین و مقررات اعم از آیین‌نامه‌های اجرایی، دستورالعمل‌ها و بخش‌نامه‌هایی که نظارت یا اجرای آن به گمرک واگذار شده است.

۲. Normalization and Incorporation

۳. Institutionalization

۴. Professionalization

۵. مشروع (Legitimate)، نهاد یا کنش یا رفتاری است که بر ما سلطه دارد، اما سلطه‌اش برای ما در این قالب ناشناخته است یا صرفاً به‌صورت تلویحی به‌رسمیت شناخته می‌شود.

تدوین شوند تا تغییری اتفاق بیفتد؛ همان‌طور که کول‌بران به تأسیس شورای مرز یا گروه‌های غیررسمی در حین کول‌بری اقدام می‌کنند تا امکان تغییر سیاست‌های گمرکی را فراهم آورند. حتی، می‌توان بی‌اعتنایی آنها را به تعاونی‌های مرزنشینان، بازارچه‌های مرزی و امتناع از دریافت کارت مرزنشینی را در اعتراض به نوع بازنمایی‌شان در سیاست‌ها و قوانین گمرک دید. آنها، در قالب خودسازمان و به‌صورت عرفی، به هم کمک و اوضاع را برای خودشان بهتر می‌کنند. اما چطور می‌توان از وسوسه بدیل‌های «محلی‌گرا»^۱ یا «بنیادگرا» رها شد و با توجه به اوضاع واقعی دست به گزینش زد. شاید تنها راهکار بازتعریف سیاست‌های مشارکتی (مختص به اجتماع و فرهنگ هر منطقه)، در نظر گرفتن منافع مرزنشینان و گفت‌وگو با آنها درباره نقش و جایگاهشان در مرز باشد که در نهایت به تنظیم دوباره سیاست‌ها در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منجر شود. با در نظر داشتن این موارد است که بدیل‌ها یا تغییرها، معنای اقتصادی و سیاسی را از مفهوم مرز خارج می‌کنند و آن را مجدداً به کلیت از هم گسیخته مرز در این حوزه‌ها باز می‌گردانند. تشکیل شورایی برای ارتباط با مرزنشینان، تأسیس تعاونی مرزنشینان و تشکیل گروه‌های غیررسمی موقتی و اعتراض مدنی از اقدامات خود مرزنشینان کول‌بر برای پیش‌برد اهداف و برانگیختن توجه گمرک بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

سیمای توسعه را باید در قالب نهادی، و در مفاهیم و آمارهایی دید که یک‌سویه است و به صورت‌بندی منازعه‌ها و منافع می‌پردازد. در هر کشور، گمرک و نقش آن به‌منزله یکی از نهادهایی شناخته می‌شود که از میزان رشد و توسعه حکایت می‌کند، اما همین نهاد، خود، طی صورت‌بندی‌ها و در قالب سیاست‌هایی (نوشته و نانوشته)، باعث فرودست‌سازی و محرومیت برخی از مخاطبان (اصلی‌ترین آنها که باید توسعه برای آنها و با آنها صورت گیرد) می‌شود. خلق سوژه‌هایی (کول‌بران) که در این صورت‌بندی‌ها نمی‌گنجد و هم‌زمان زاده این سیاست‌ها هستند، از نقش بالادستی همین توسعه حکایت دارد. گمرک با وضع قوانینی جهان‌شمول، درصد نهادینه‌کردن، بهنجار کردن و یک‌دست کردن مواضع و منافع است.

تنها ماده‌ای در قوانین کلی گمرک، که به‌طور مشخص به مقررات و قوانین مربوط به مرزنشینان، بازارچه‌های مرزی و پبله‌وران می‌پردازد، ماده ۱۵۹ است که با مطالعه آن، بی‌توجهی به مرزنشینان و کلی‌گویی درباره آنها روشن می‌شود. با توجه به مسئله‌شدن کول‌بری، به‌ویژه در سال‌های اخیر، گمرک در قالب قوانین گمرکی و طی سیاست‌ها و اقداماتی،

۱. Localist

از جمله تأسیس بازچه‌های مرزی، اختصاص کارت مرزنشینی و پبله‌وری، به این مسئله پاسخ داده است. اما این اقدامات به تشدید انقیاد کول‌بران منجر شده و صرفاً به پاک کردن صورت مسئله انجامیده است. مواجهه با تجربه‌های کول‌بران این ادعا را تأیید می‌کند، تجربه‌هایی که زاده‌همین سیاست‌های متناقض، انحصارات و تمایزهایی است که گمرک خود متولی یا میانجی آنهاست. عدم بازنمایی صحیح گمرک از وضعیت کول‌بران موضع‌گیری خود کول‌بران را نیز در قالب تشکیل شورای مرز، تشکیل گروه‌های غیررسمی و محلی، تأسیس تعاونی‌های مرزنشینان و اعتراضات مدنی به دنبال داشته است. اما این اقدامات موقتی و معمولاً بی‌اثر بوده‌اند که دلیل اصلی آن هم عدم صورت‌بندی آنها در گمرک و نادیده‌گرفتنشان در این سیاست‌هاست. در این صورت‌بندی، به اجتماع و فرهنگ محلی بی‌توجهی شده و نقش آن کم‌رنگ یا مخمل جلوه داده شده است. تسلط بازار و تقلیل همه‌جنبه‌ها به اقتصاد صرف مرزی، نمود عینی دیگر این حذف و یک‌سویه کردن صورت‌بندی منازعه‌ها و منافع است.

در نهایت، تجربه زیسته کول‌بران از حذف آنها در سیاست‌ها و قوانین گمرکی حکایت دارد، حذفی که به تشدید نابسامانی، تحمیل وضعیت نابهنجار و یک‌سویه‌شدن منافع برای کسانی منجر می‌شود که متولی و منتفع از گمرک و تبادلات مرزی هستند. با این حال، می‌توان بر سیاست‌های بازتوزیع‌گرایانه‌ای متمرکز شد که به مداخله (غیرصوری) مرزنشینان در سیاست‌های گمرک نظر دارد. سرمایه‌گذاری مالی، فراهم کردن امکانات رفاهی و آموزشی در مناطق مرزی، تشکیل کارگروه‌های ویژه، و توانمندسازی مرزنشینان در زمینه‌های گوناگون و توجه به اجتماع و دانش آنها (به‌عنوان کار مخالف) باید در برنامه‌های گمرک گنجانده شود.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و همکاران (۱۳۹۱) «تحلیل فضایی نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران»، ژئوپلتیک، سال هشتم، شماره ۱: ۱۲۴-۲۳۵.
- احمدی، عاطفه و همکاران (۱۳۹۲) «بررسی و تحلیل شاخص توسعه انسانی (HDI) در شهرستان‌های استان کردستان»، اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار، همدان.
- اسمیت، دوروتی (۱۳۹۴) «چشم‌انداز زنان به‌مثابه نقدی رادیکال بر جامعه‌شناسی» در: «فمنیسم و روش‌شناسی»، نشر اینترنتی پراکسیس: ۷۶-۹۵. در: <http://docs.praxies.org>.
- پولانی، کارل (۱۳۹۱) دگرگونی بزرگ خاستگاه‌های سیاسی و اقتصادی روزگار ما، ترجمه محمد مالجو، تهران: پردیس دانش.
- تقوایی، مسعود و همکاران (۱۳۹۰) «تحلیل نابرابری‌های توسعه ناحیه‌ای در ایران»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۸: ۱۵۳-۱۶۸.

- جلایی‌پور، حمیدرضا و بهمن باینگانی (۱۳۹۵) «مطالعه جامعه‌شناختی پیامدهای اقتصادی بازار و تجارت مرزی»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره پنجم، شماره ۲۴: ۵۳۹-۵۷۳.
- جهانی، داریوش (۱۳۹۶) «بررسی تأثیر گردشگری تجاری بر هم‌دلی گردشگران در مقصد گردشگری (مورد مطالعه: شهر مرزی بانه)»، *پژوهشنامه مطالعات مرزی*، سال پنجم، شماره ۱: ۳۵-۵۵.
- حاتمی‌نژاد، حسین و همکاران (۱۳۹۴) «برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری شهرستان بانه»، *گردشگری شهری*، دوره هفتاد و دوم، شماره ۲: ۱۶۷-۱۹۰.
- حاجی‌نژاد، علی و علی احمدی (۱۳۸۹) «تأثیرات اقتصادی گردشگری تجاری بر مناطق شهری، مطالعه موردی: شهر بانه»، *پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، دوره اول، شماره ۲: ۷-۲۲.
- حسن‌پور، جعفر، رضا عبدالرحمانی و حسن جلیلی (۱۳۹۴) «بررسی رابطه اشتغال‌زایی و توسعه اقتصادی مناطق مرزی با امنیت عمومی استان کردستان»، *پژوهشنامه مطالعات مرزی*، سال سوم، شماره ۳: ۱-۲۷.
- خیرالدین، رضا و همکاران (۱۳۹۵) «بررسی و تحلیل چالش‌های پایداری توسعه فضایی در شهر مرزی بانه»، *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، دوره هفتم، شماره ۲۵: ۶۳-۸۴.
- دوالت، مارجوری آل (۱۳۸۵) *روش‌های بخش مطالعات زنان و پژوهش اجتماعی*، تهران: دانشگاه تهران.
- ذکایی، محمدسعید، و آرام نوری (۱۳۹۴) «زندگی در مناطق مرزی: مطالعه پدیدارشناختی مرزنشینان شهر نوسود»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال ششم، شماره ۴: ۱۱۹-۱۵۱.
- رشیدی آل‌هاشم، سیدمحمدرضا و همکاران (۱۳۹۵) «بررسی وضعیت تغییرات نسلی سبک زندگی در روستاهای مرزی شهرستان مریوان»، *جامعه‌شناسی و مدیریت سبک زندگی*، دوره دوم، شماره ۷: ۱۶۵-۲۰۵.
- زیاری، کرامت‌الله و همکاران (۱۳۸۸) «چالش‌های ژئوپلیتیکی توسعه نامتوازن نواحی ایران در مقطع زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۵»، *ژئوپلیتیک*، سال ششم، شماره ۱: ۱۸۱-۲۰۷.
- سپیدنامه، بهروز و همکاران (۱۳۹۵) «شناسایی دلایل ترک تحصیل دانش‌آموزان مقطع ابتدایی منطقه آموزش و پرورش موسیان (نواحی روستایی)»، *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، دوره هشتم، شماره ۱: ۱۶۷-۱۹۸.
- ضیائی، آرام (۱۳۹۵) *پساتوسعه (نظریه، عمل، مسائل و چشم‌اندازها)*، ترجمه موسی عنبری، ابودر قاسمی‌نژاد و میلاد رستمی، تهران: علم.
- عنبری، موسی (۱۳۹۰) *جامعه‌شناسی توسعه، از اقتصاد تا فرهنگ*، تهران: سمت.
- قادرزاده، امید و همکاران (۱۳۹۰) «برساخت اجتماعی پدیده تجارت مرزی: ارائه یک نظریه زمینه‌ای در شهرستان مریوان»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره سوم، شماره ۹: ۳۵-۸۰.
- قادرزاده، امید و امید قادری (۱۳۹۱) «مطالعه کیفی پیامدهای فرهنگی تجارت مرزی در شهرستان مریوان»، *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره هفتم، شماره ۲: ۱۳۵-۱۵۴.

- کجوییان، حسین (۱۳۸۲) فوکو و دیرینه‌شناسی دانش، تهران: دانشگاه تهران.
- کریم‌زاده، حسین، حامد قادرمرزی، و سعید سجادی (۱۳۹۷) «ارزیابی تأثیرات اجتماعی-اقتصادی بازارچه مرزی شوشمی بر توسعه مناطق روستایی پیرامون»، علوم و فنون مرزی، سال نهم، شماره ۲: ۷۸-۵۵.
- مجدی‌کیا، محسن (۱۳۹۵) قانون گمرکی، تهیه و تنظیم معاونت برنامه‌ریزی و امور بین‌الملل دفتر مطالعات، تحقیقات و ظرفیت‌سازی گمرک جمهوری اسلامی ایران، ترجمه احد پراهام و مریم طنابنده، تهران: دارا.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲) تجربه نوسازی، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدپور و همکاران (۱۳۹۳) «مطالعه کیفی تغییرات در سبک زندگی و صورت‌بندی زنان در کردستان ایران (مطالعه موردی: شهر مریوان)»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ششم، شماره ۳: ۳۴۴-۳۲۷.
- میرزایی، حسین، و سیروان عبده‌زاده (۱۳۹۳) «بررسی تأثیر بازارچه‌های مرزی بر کیفیت زندگی روستاییان مرزنشین (مورد مطالعه: بازارچه‌های مرزی و روستاهای شهرستان مریوان)»، توسعه روستایی، دوره ششم، شماره ۲: ۲۷۸-۲۵۵.
- هاردینگ، ساندرا (۱۳۹۴) «آیا روش پژوهش فمینیستی وجود دارد؟»، در: «فمینیسم و روش‌شناسی» نشر اینترنتی پراکسیس: ۱۹-۶۰. در: <http://docs.praxies.org>
- Escobar, A. (۱۹۹۵) *Encountering Development: The Making and Unmaking of the Third World*, Princeton: Princeton University Press
- Escobar, A. (۲۰۰۰) "After Post-Development", *Third world quarterly*. vol, ۲۷. No, ۲:
- Sachs, W. (۱۹۹۲) *The Development Dictionary: A Guide to Knowledge as Power*, New York : Wwatersrand University Press.
- Smith, D. E (۲۰۰۴) *Institutional Ethnography* (an interview with Dorothy E. Smith), Oslo, Sosiologisk Tidsskrift Press.
- Willis, K. (۲۰۰۵) *Theories and Practices of Development*, New York: Rutledge.
- Ziai. A (۲۰۰۷) *Exploring post-development theory and practice, problem and perspectives*. London; New York: Routledge.